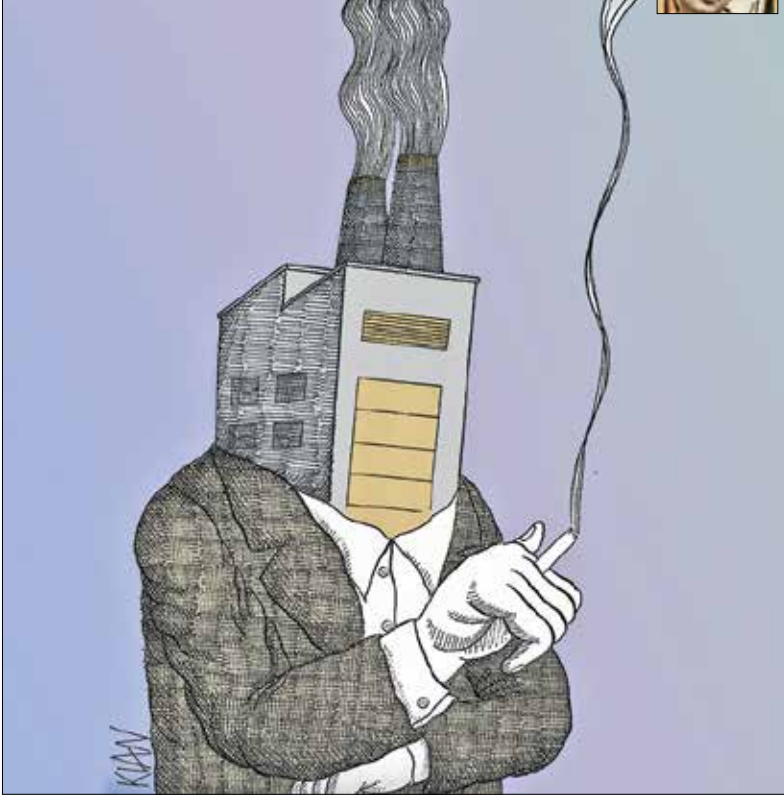


<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ تایمر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پایکد: ۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / شنائی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مستدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲http://irannewsaper.ir</p>	
<p>صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی</p>	
<p>آذان ظهر ۱/۵۲   آذان مغرب ۱۷/۱۲   نیمه شب شرعی ۲۳/۰۸   آذان صبح فردا ۵/۲۴   طلوع آفتاب فردا ۶/۵۳</p>	
<p><b>امام‌علی(ع):</b> از گنج‌های بهشت؛ نیکی کردن و پنهان نمودن کار (نیک) و صبر بر مصیبت‌ها و نهان کردن گرفتاری‌ها (یعنی عدم شکایت از آنها) است.</p> <p><b>سخن روز</b></p> <p><b>تحف العقول/ صفحه ۲۰۰</b></p>	

<b>نگاره</b>	
کیان رادیویان	
<span></span>	
آلودگی هوا ۳۰ برابر خطرناک تر از دود سیگار	



<b>هنر مندان در فضای مجازی</b>	
<p><b>این روزها اهالی موسیقی تولد کیهان کلهر آهنگساز و نوازنده کمانچه را که ۳ آذر بود تبریک گفتند و کیهان کلهر طی پستی، از دوستدارانش تشکر کرد. از نسوی دیگر پنجم آذر سالروز درگذشت بابک بیات و علیرضا خورشیدفر است که اهالی موسیقی این روز را گرامی داشتند.</b></p>	

#### ■ گنجوران گذشته و معماران آینده

صفحه منتسب به شفیعی کدکنی به مناسبت پنجم آذر که سالروز درگذشت محمدعلی فروغی است، متنی منتشر کرد: «درباره روزگاری فروغی، روزگاری زبان فارسی و فرهنگ ایرانی نگهبانانی از نوع محمدعلی فروغی و ملک‌الشعراى بهار و دهخدا و نفیسی و فروز و نقر و معین و خانلری داشت. اینان گنجوران گذشته و معماران آینده این زبان و فرهنگ بودند. بسیاری از کسانی که امروز خود را جانشینان این بزرگان می‌شمارند، از خواندن کتاب‌ها و مقالاتی که به نام خود چاپ کرده‌اند، عاجزند. آزمون این کار اگر مصالح سیاسی اجازه دهد، کار دشواری نخواهد بود.»

#### ■ چهره‌ها

**فرهاد وهرام** در صفحه خود سکانسی از «یادویادگار» را منتشر کرد: «در سکانسی از فیلم «یادویادگار»، تنوعی است از صنایع دستی جوامع روستایی، عشایری و شهری با در نظر گرفتن فرم و رنگ در فضای کار. فیلمبرداری این فیلم بیش از یک‌سال طول کشید و در سال ۱۳۷۵ برای نمایش آماده شد. زنده یاد محمود بهادری فیلمبردار اصلی این فیلم بود و در یکی از سکانس‌ها که مراسمی در چند نقطه ایران در یک روز برگزار می‌شد محمود کلاری، رضا جلالی، همایون پایور و بهنام منادی زاده از این فیلم حمایت کردند.»

**کامران شرفشاهی**، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار هم فیلمی از ترانه «خیابان خواب‌ها» با صدای علیرضا عصار و از ساخته‌های فؤاد حجازی براساس شعری از خلیل جوادی با تر مخاطبان به انتشار گذاشت و به موفقیت این اثر در گونه اجتماعی اشاره کرد: «یکی از موفق‌ترین آثار در ژانر ترانه اجتماعی دهه ۸۰ بود که در زمان انتشار با استقبال فراوان مخاطب روبه‌رو شد و هنوز هم شنیدنی است. جای شگفتی و دربرغ فراوان دارد که تعداد ترانه‌های اجتماعی در جامعه ما از کثرت چندان چشمگیری برخوردار نیست و به نظر می‌رسد که ترانه اجتماعی هم به همان سرنوشتی دچار شد که جریان شعر اعتراض‌ا!»

#### ■ تازه‌های نشر

نشر داد‌کین، تنها نشر حوزه میراث فرهنگی خبر از رونمایی کتاب «رونمایی از کتاب «چگاسفای من» داده است. این نشر با اعلام فراخوانی از کودکان خواست آثار کشف شده از این محوطه را نقاشی کنند و در قالب آن از مردم و متولیان میراثی بخواهند تا از سرمایه‌های آینده‌شان محافظت کنند. حال این ناشر درباره این روز نوشت: «بیش از ۱۰۰ کودک با پدر و مادرایشان از ساعت ۱۰ صبح امروز در کنار ما بودند تا از کتابی رونمایی کنیم که نتیجه نقاشی‌های زیبایشان بود. ما می‌خواستیم کودکان ایران بیش از پیش با تاریخ و باستان‌شناسی در ایران آشنا شوند.»

## روایت

<b>مهرداد خوشبخت: فیلم‌های گنجینه فجر از آثار امروزی فاخر تر هستند</b>	
<div><div><span></span><span>بخش گنجینه در جشنواره جهلم اتفاق بسیار خوبی است، چرا که می‌توان فیلم‌هایی را که در گذشته ساخته شده‌اند و در جشنواره مطرح بوده‌اند، با کیفیت فیلم‌های امروزی مورد بررسی و مقایسه قرار داد و من فکر می‌کنم در بعضی موارد حتی قدیمی‌ها فاخرتر و با کیفیت‌تر هستند.</span></div></div>	
<div><div><span></span><span>از صحبت‌های این فیلمساز با خبرآنلاین</span></div></div>	
<div><div><span></span><span></span></div></div>	

## فقدان بازیگر مؤلف

چند روز پیش یک بازیگر سرشناس ایرانی در جشنی سینمایی گفت هنوز نمی‌داند چرا برای بازی در یک فیلم انتخاب شده، او به نوعی کارگردان را به چالش کشید که چرا او را انتخاب کرده و بازی خود را در آن فیلم اقتضاح ارزیابی کرد، اما این بازیگر به انتخابی که خود انجام داده اشاره نکرد. اینکه بازیگر است که در نهایت یک پیشنهاد را می‌پذیرد، بنابراین انتخاب اصلی در نهایت با اوست؛ اما این نقصان تنها به آن بازیگر ختم نمی‌شود گویا اغلب بازیگران امروزی سینمای ایران خود را

مختار و مؤلف نمی‌پندارند.

در این نوشته مؤلف بودن همپوشانی با «تئوری مؤلف» به‌عنوان یکی از نظریه‌های مشهور تاریخ نقد و ادبیات سینمایی ندارد. اینجا مؤلف بودن به معنای صاحب ایده بودن و هویت مستقل قائل شدن برای هنر خود است. همواره روایت می‌شود که در سینمای ایران بازیگران تراز اولی از نسل‌های مختلف بویژه آنها که از نتاثر وارد سینما شدند نسبت به شخصیت‌پردازی و منحنی حرکت شخصیتی که بازی می‌کردند حساس بودند و همین حساسیت، ناگزیر آنها را نسبت به دیگر ارکان فیلمنامه و ساختار کلی فیلم اثرگذار می‌کرد.

اما این روزها گویی این رویکرد به بازیگری از بین رفته است؛ حتی شماری از موفق‌ترین و ستایش شده‌ترین بازیگران امروز سینمای ایران فاقد این حساسیت و نگرش تألیفی هستند. این را از نقاط ضعف متعددی که در شخصیت‌پردازی فیلم‌های مطرح سینمای ایران می‌بینیم به روشنی تشخیص می‌دهیم.

#### اندوه‌گمشده انسان در هستی

«قهوه فجری در پاریس» اولین مجموعه شعر فرامرز احمدی است که توسط انتشارات ایهام در پاییز ۱۳۹۶ به چاپ رسیده وهم اکنون نامزد هفتمین دوره جایزه شعر احمد شاملو می‌باشد. این مجموعه روایت اندوه گم شده انسان در هستی است. اندوهی که نه مثل شعرهای احمدرضا احمدی مخاطب را دچار وهم می‌کند و نه مانند شعرهای شاملو تن به چارچوب یک ایدئولوژی خاص می‌دهد. این اندوه به نوعی هستی شناسانه به نقب

در روابط بشر امروزی و جهان پیرامونش منجر می‌شود. دردی که شاعر در کنه وجودش با آن زیسته و سپس درلباس شعر عرضه کرده است. استفاده از المان‌های سینمایی، تصویرسازی‌های زنده و دینامیک، حرکت زبان در مسیر طبیعی خود و نزدیک شدن به زبان محاوره آنگونه که نیما می‌گفت و اندوه مختص شاعر از ویژگی‌های شعرهای این مجموعه است که زبان را به سمت چندساحتی بودن پیش می‌برد.

استفاده از واژه‌ها و مفاهیم سینمایی مثل کاراکتر، صحنه، سکانس، آپاراتچی و... به کارگیری نام فیلم یا شخصیت‌های سینمایی مثل سینما پارادیزو، مانلا و... همچنین استفاده از تکنیک‌هایی مثل دیالوگ، کات‌های موازی و تصاویر دارای حرکت، شعرهای این مجموعه را به پدیده‌ای به نام فعالیت میان رشته‌ای؛ ایجاد بینامتنیت و زیرمتن‌های مختلف پیوند داده. تو گویی شعرها سکانس‌های مختلف از یک فیلم بلندند. حتی استفاده از بار روانی رنگ‌ها که در سینما به کمک نورپردازی، ارجاعات مختلف می‌پذیرد نیز در این کتاب جایگاه ویژه خود را داراست... باران دربه در آن سوی شیشه را می‌شوید!با این طرف چه باید کرد... سرزده بیا پیش از آن که پدرم پاییز/میراث عربانی را برایم به چوب رخت زخم آویخته/ و مادرم باران/ احاط را آب پاشی کرده باشد... و یا در کات‌های موازی: «کبریت بکش /من چاه‌بایلم/نسئوه و عمیق/ لبریز باروت/ و زن ضجه می‌زند در میان کوچک بین‌النهرین/ کبریت بکش/ از آخرین باری که با تو طهران را قدم زدم/ جهان زیباتر شد...»

بسماد واژه‌هایی مثل ایستگاه، قطار، چمدان و کلماتی که در این گروه واژه‌جای می‌گیرند شعرها را همواره در فضایی همیشه- مسافر قرار داده است: «نورفته‌ای /اصلا عین خیالت نیست/ قطاری که از ریل خارج شد/ تمام مرا به سمت تو می‌آورد» و در این میان، تنهایی ست که در فواصل این دوری به زخمی عمیق بدل می‌شود. «تنهایی/ زخم عمیقی ست/ که روی دست فاصله مانده است» و این نمود بصری فاصله که شاعر به عمد آورده تا عمق زخم را نشان دهد. زبان «قهوه فجری در پاریس» که در بستری از ساده‌نوشتن و به دور از پیچیدگی‌های زبانی و زبان بازی‌ها اتفاق می‌افتد کاملاً به اصالت شعری اش وفادار مانده و هرگز به دره ساده انگاری و سهل انگاری درنغلیده است. رفتار شاعر با زبان در راستای تشخیص زبانی خود روی می‌دهد. حتی آنجا که شعر کاملاً محاوره است و یا تلفیقی از زبان معیار و محاوره، شعریت از دست نمی‌رود و صمیمیت ویژه زبان را نیز جاشنی خود می‌کند: «من می‌ترسم/ اما از مسافر خانه‌های گمشده/ از جاده‌های اما بی‌ته و سر/ از جنگل‌های اما زره/ مادر خودش این جاده را تا آخر رفته است/ وگرنه پیراهنش این قدر بوی دریا نمی‌داد.»

نگاه هستی شناسانه، اندوه و تنغزل سه مؤلفه اصلی شعرهای این مجموعه‌اند که مخاطب را در ایستگاه‌های مختلف سوار و پیاده می‌کنند. احمدی شاعری ست درمند و شاعرش «گلوله‌ای است که عبورش سال‌ها از جمجمه طول می‌کشد.»

البته بسیاری از فیلمسازان بر این باورند که بازیگر صاحب ایده اغلب مزاحمی در پیشبرد کار است و بازیگر به‌عنوان اجرا کننده ایده‌ها باید در عمل و اجرا قوی باشد نه در پرورش شخصیت و جزئیاتی مربوط به کنش‌ها و دیالوگ‌ها. از دیگر سو آنان که سهمی برای بازیگر قائل اند بسیاری از بازیگران امروزی را فاقد آن آگاهی و شناخت لازم می‌دانند که وارد مسائل بنیادین شخصیت و فیلمنامه شوند.

اما بازیگر در جایگاهی بسیار مهم قرار دارد. او تنها کسی است که شخصیت نوشته شده را زندگی می‌کند و همین موقعیت دست‌کم به او دیدی متفاوت و سودمند در راستای کیفیت شخصیت‌پردازی می‌بخشد. به همین دلیل بازیگر مؤلفی را که برای کارش ارزشی هنری و خلاقه قائل است، نمی‌توان در راستای ایده‌پردازی متوقف کرد. او شخصیتی است که بازی می‌کند و کیفیت کار را با حضورش تغییر می‌دهد.

اما اشکال کار کجاست؟ چرا سینمای ایران دارد از بازیگر مؤلف تهی می‌شود؟ بخشی از این ضعف به تنزل جایگاه فیلمنامه‌نویسی در سینمای ایران برمی‌گردد؛ یک غفلت مرموز و حماقت بار که بسیاری از تولیدات ما را با وجود هزینه زیاد بی‌ارزش کرده است.

اشکال بعدی نبود شغل مشاور و تهیه کننده اختصاصی برای بازیگران است که بر کیفیت کار بازیگر نظارت کند و او را برای گرفتن تصمیمات بهتر و بالا بردن کیفیت کارش هدایت کند. ضعف دیگر مربوط به خود بازیگران است. بخش اصلی و مهم‌تر به مشکل آموزش بازیگری برمی‌گردد. در دانشگاه و بویژه در آموزشگاه‌های بازیگری خبری از کار روی دانش درام و درک شخصیت نیست و بازیگری اغلب به مهارتی برای اجرای صرف تقلیل پیدا کرده است.

#### یک نفر باید بماند تا دوباره این شهر را بسازد

«تصمیم گرفتن در مورد ماندن در شهر بسیار دشوار بود، چون با ماندن در اینجا باعث شدم فرزندانم مشکلات زندگی در اینجا را تحمل کنند، من شانس یک زندگی آرام را از آن‌ها دریغ کردم، البته نمی‌توانستیم از اینجا برویم، چون پدر و مادرم اینجا بودند. یک نفر باید بماند تا دوباره این شهر را بسازد، چون اگر همه این شهر را ترک کنند چه کسی می‌ماند که دوباره آن را بسازد.» این عبارات سکانسی ماندگار از مستند بلند «زمین آبی برتقالی» به کارگردانی ایرینا تسلیک محصول ۲۰۲۰ اوکراین است؛ مستندی زیبا با لایه‌های عمیق. «زمین آبی برتقالی» روایت «آنا» مادری تنها است که با چهار فرزندش در خط مقدم منطقه جنگی در اوکراین زندگی می‌کنند. در حالی که دنیای خارج از خانه آنها، پر از خشونت و ویرانی است، این خانواده موفق شده‌اند خانه خود را به عنوان یک پناهگاه امن، پُر از زندگی و پُر از نور رنگ دارند.

آنا و اعضای خانواده او به سینما علاقه‌مند هستند و این به آنها انگیزه می‌دهد تا مستندی را با الهام از زندگی خود در زمان جنگ فیلمبرداری کنند. در این میان دختر بزرگ آنا برای تحصیل سینما و فیلمبرداری بورسیه می‌گیرد. او کم کم سینما را یاد می‌گیرد، عشق آنا به سینما و شناخت جالبش از فیلمسازی و تصویر، دست به دست هم می‌دهند تا به تحریک خلاقیت و انرژی کاری فردی و جمعی در خانواده منتهی شود و آنها به یک دستاورد مهم برای حفظ شهر، خانواده و سلامت روح و روان خود برسند. مستند به دور از تکلف یا تصاویری جذاب و



ثبت لحظات مختلف عاطفی و احساسی بدون افتادن در بند شعار به پدیده‌ای الهام بخش و جذاب بدل می‌شود. «زمین آبی برتقالی» (the earth is blue as an orange) ارزش بیش از یک بار دیدن را دارد. دیدن این مستند بلند را نه فقط به فیلمسازان مستند و مخاطبان جدی سینمای مستند، بلکه به همه مردم پیشنهاد می‌کنم.

- **نام مستند: زمین آبی برتقالی** (the earth is blue as an orange)
- **کارگردان: ایرینا تسلیک**
- **محصول: ۲۰۲۰ اوکراین**

### عکس نوشت

**جشنواره اقوام ایرانی به مناسبت هفته گرامیداشت بسیج در میدان آئینی امام حسین (ع) برپا شده است. دراین جشنواره پوشاک، صنایع دستی و غذاهای محلی به عموم مردم عرضه می‌شود. این جشنواره تا تاریخ ۷ آذرماه ۱۴۰۰ برقرار است./خبرگزاری صداوسیما**

#### ...

بعضی از کلمات که ظاهرأ با بی‌خیالی بر زبان جاری می‌شود، ناگهان جنبه‌ای اسرارآمیز و سرنوشت‌ساز به خود می‌گیرد، سنگین می‌شود، به صورت عجیبی سنگین می‌شود، از گوینده پیشی می‌گیرد و در جایی، در لحظه نامعینی از آینده، حجره‌ای، اتاقی را می‌شکافد و با دقت و قطعیتی هراس‌انگیز به خود گوینده اصابت می‌کند....!



هایمن‌ریش بل قطار به موقع رسید

#### نکته

**اسماعیل علوی**

دبیر گروه پایداری

#### توجه، عامل بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری

امروز شنبه و آغاز هفته است. بسیاری برای این روز بویژه ساعات اولیه آن اهمیت خاصی قائلند و مراقبتند تا شروع هفته را با حسن روابط اجتماعی همراه کنند. این امر پسندیده‌ای بوده و می‌تواند پیوندهای دوستی را محکم کند. امیرالمؤمنین علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: «سرآمد تمام وظایف برای افراد با ایمان این است که خود را به صفات حمیده و اخلاق پسندیده متخلل سازند و خوشتن را به زیور راستگویی بپارینند.» (فهرست غرر ص ۹۴) امام صادق(ع) نیز با تأکید بر این محتوا فرموده است: «خداوند به بنده خود در مقابل حسن خلق پاداشی می‌دهد همانند اجر مجاهد راه حق که روز و شب در فعالیت و کوشش باشد.» (روضه کافی ص ۱۵۰) شناخت صفات حمیده و ذمیه و تمییز فضائل از ذرائل در نظر اول بسیار ساده و ممکن به نظر می‌رسد به شرط آنکه پای توجه در میان نباشد. بزرگان دین برای آنکه پیروان مکتب اسلام به مکارم اخلاق گرایش یابند و از سینات اخلاقی اجتناب کنند، آنان را به فراگرفتن علم اخلاق فراخوانده‌اند. از امام موسی کاظم(ع) نقل است که می‌فرماید: «علمی که یاد گرفتن آن بیش از آموختن سایر علوم لازم است آن علمی است که خیر و صلاح قلب انسان را به وی ارائه و فساد آن را آشکار سازد.» (مستدرک، جلد ۲، ص ۳۵۵) بر این مبنا در مجموعه‌های تجارت سنتی (بازار) در اغلب شهرهای کشورمان حوزه‌های کوچکی بوده که تجار و کسبه صبح‌ها قبل از آغاز کسب وکار پای درس اخلاق عالم بزرگی نشست، آنگاه به سراغ حجره و دکان خود می‌رفتند. هنوز خاطرات کلاس‌های اخلاق حاج آقا مجتبی تهرانی در حوزه‌ای کوچک جنب بازار بزرگ تهران در خاطر بازاریان تهرانی هست که ضمن شناساندن زوایای سلوک مومنانه، آنان را به رعایت انصاف و مدارا با مردم و همراه‌ج‌هایشان توصیه به خیر می‌نمود. پیامبران الهی نیز جنگلی با هدف تربیت انسانی فرزندان آدم ابوالبشر معوث شده و اساس مکارم اخلاق را بر روی زمین پی‌ریزی کردند. آنان یکی بعد از دیگری در تحکیم و گسترش سماحت و تعالی روح بشری کوشیدند و به نتایج درخشانی نیز نائل آمدند. رسول گرامی اسلام نیز مأموریت نهایی خویش را تکمیل مکارم اخلاق پیروان اعلام و آن را نشانه بزرگواری و کمال و تعالی روح فرد مسلمان می‌شناساند. بر این اساس تربیت‌شدگان مکتب اسلام در اجتماع با بزرگواری و کرامت نفس برخورد کرده و هم‌کیشان و همنوعان خود را از عواطف آسانی خویش برخوردار می‌کردند. حقیقت این است که انسان به‌طور فطری از خلق و خوی پسندیده احساس خوشایندی داشته و نسبت به صاحبان صفات حمیده نگاه توأم با احترام و تحسین دارد. منتهی همان‌گونه که اشاره شد، بسیاری اوقات انسان با توجه رفتار خود فرصت دستیابی به تعالی روح و کرامت‌های اخلاقی را از خود می‌گیرد. توجه‌قادر است ندای وجدان را خاموش و الهامات این حجت درونی را سرکوب کند. توجه رفتارهای ناهنجار را تحت پوشش «خود حق‌پندار» درست و منطقی جلوه می‌دهد و آدمی را از مدار کرامت اخلاقی و بزرگواری خارج می‌کند. توجه به عنوان محرک بسیاری از رفتارها، افراد را به وادی خود سودی و ترجیح منافع فردی نسبت به منافع دیگران می‌کشاند و سودجویی و نفع‌طلبی را ملاک رفتار فرد توجه‌گر قرار می‌دهد. رفتار مبتنی بر توجه معمولاً در حد جرایم بزرگ نبوده و با اغلب این‌ها نمی‌توان برخورد قانونی کرد، حال آنکه می‌توانند عامل بی‌نظمی‌های اجتماعی و هتک حریم قانون و منجر به سلب حقوق سایرین باشند. توجه در گستره متنوعی در زندگی شهروندی بروز یافته و مصادیق آن همه‌جا به چشم می‌آید. توجه‌گر از رفتار آن مغازه‌داری که با اشغال جلوی مغازه خود با این توجه که اولویت برخورداری مطلقاً به من تعلق دارد و از این طریق مانع بهره‌مندی سایر شهروندان می‌شود تا آن راننده‌ای می‌کند با این توجه که بارک اتومبیلم کوتاه‌مدت است را شامل شده و تولید مزاحمت می‌کند. حال آنکه با توجه به تعالیم دینی هرگونه تضییع حق دیگران مشمول نادیده گرفتن حق‌الناس بوده و موجب ضمان است؛ موضوعی که در تصمیم‌های اصلاح رفتار کمتر به آنها توجه شده و اغلب عادی و پیش پا افتاده تلقی می‌شوند.

